

## سیر تحول دانش حقوق اساسی در دوره پس از انقلاب اسلامی در ایران

علی رحیمی<sup>۱</sup><sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه حقوق پردیس البرز دانشگاه تهران

## چکیده

قانون اساسی، نخستین و برجسته ترین دست آورد جنبش های دستور گرای است و از نظر سلسله مراتب در صدر همه قوانین و مقررات قرار دارد. قانون اساسی، مهمترین سند قانونی یک کشور است. پژوهش پیش رو در پی ترسیم این مهم است که از پدیداری و تدوین نخستین گام های شکل گیری قانون اساسی تا تصویب مجلس خبرگان و تایید همه پرسی آن، احزاب، جمعیت ها، افراد و گروه های مختلف سیاسی و غیره، چه در متن و چه در حاشیه، چگونه و چه میزان نقش آفرینی نمودند و سیر تدوین و تحول دانش قانون اساسی به چه صورت بوده است. این بازه ی زمانی سرانجام در وهله ی سوم، یعنی مقطع بازنگری، نشان آخر را بر تارک خویش اندود و متن فعلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فرآیند این کشاکش ها و تصمیم گیری هاست. همچنین با وقوع انقلاب اسلامی ایران مردم به قانون اساسی به جهت آزادی های بنیادینی که در آن در نظر گرفته شده بود، رای مثبت دادند. از آن جایی که یکی از بخش های مهم قانون اساسی هر کشوری، بخش حقوق و آزادی های اساسی مردم است، این بخش مهم ترین رکن هر قانون به شمار می آید. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول متعددی را به حقوق و آزادی های فردی، اجتماعی، قضایی و امنیتی مردم اختصاص داد. که تمام این موارد در این پژوهش با روش تحلیلی توصیفی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که هرچند در متن قانون اصلاحات اساسی و بازنگری های خوبی صورت گرفته است، اما در مواردی اصول این قوانین با هم تناقض دارند و به وسیله تبصره های مختلف و منافع و موقعیت های مختلف اصل قانون مورد تحریف قرار گرفته است. همچنین جای خالی مباحث قانون اساسی در مقاطع تحصیلی کشور احساس می شود و همانطور که تقویت جسم در کلاس های تربیت بدنی انجام می شود، بهتر است که حقوق و آزادی های فردی و جمعی نیز آموزش داده شود تا سطح آگاهی مردم افزایش یابد. در یک دید کلی، می توان بیان نمود که قانون اساسی جمهوری اسلامی نه به قبول آزادی مطلق دست زده تا به آنارشی منتهی شود و نه آن را کلاً نفی کرده است که سرشت استبدادی به خود بگیرد، بلکه در چارچوبی غیر مطلق به تضمین اصل آزادی ها اقدام کرده است.

**واژه های کلیدی:** قانون اساسی، انقلاب اسلامی، سند قانونی، حقوق و آزادی های فردی و جمعی، حکومت.

## ۱- مقدمه

حقوق اساسی در چند سده اخیر، فراز و نشیب‌های بسیاری را از سر گذرانده است. حقوق اساسی کلاسیک که در دامان اندیشه قرارداد اجتماعی و ایده قراردادی حکومت پرورش یافت و در آغاز دربردارنده تکنیک‌ها و آموزه‌هایی در جهت مهار قدرت نامحدود دولت بود، در فراز و نشیب این سیر، گاه در محاق تمامیت خواهی و خودکامگی در غلتید و در شکل ساختاری فاقد محتوا جلوه گر شد و گاه از پله‌های رهایی و استقلال یافتگی بالا رفت و توانست طرحی نو در نظام‌های سیاسی کشورها باشد. آموزه‌های حقوق اساسی در دوران کنونی ساختارهای کلان سیاسی کشورها را عمیقاً تحت تاثیر قرار داده است. قانون اساسی به مثابه، میثاقی بنیادین، بین دولت و ملت در کانون اندیشه دستورگرایی قرار دارد. امروزه عموماً پذیرفته شده که قانون اساسی، چارچوب رسمی قوانین پایه است که فعالیت حکومت را تاسیس و تنظیم می‌کند.<sup>۱</sup>

امروزه جز در موارد محدود و استثنایی، همه کشورها واجد قانون اساسی مدون هستند که در ان اصول اساسی مربوط به ساختار حکومت، قوای تشکیل دهنده آن، کارکردهای این قوا و نیز راه‌های تعامل آنها با مردم و بالاخره حقوق و آزادی‌های عمومی آمده است.<sup>۲</sup>

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم سلطنتی مشروطه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در پی نهضت مردمی، با انگیزه مذهبی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی در روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، پس از همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه مزبور و نیاز به داشتن قانون اساسی جدید، نخستین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ به تصویب مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و در روزهای یازدهم و دوازدهم آذر ماه ۱۳۵۸ طی رفرندامی به تصویب اکثریت مردم ایران رسید.<sup>۳</sup>

حکومت ایران طبق قانون اساسی یک حکومت دینی است، یعنی مبتنی بر زیر ساخت‌های اعتقادی، مذهبی، احکام و دستورات اسلامی است و در عین حال به رای و نظر مردم نیز بستگی دارد و موجودیت و ادامه حیات خود را متکی به رای مردم و مقبولیت آنها می‌داند. عنوان حکومت، جمهوری اسلامی ایران است که به بهترین بیان و با ظرافت خاص دو وجه این عنوان یعنی جمهوری بودن و اسلامی بودن در اصل اول قانون اساسی به این شرح بیان شده است: حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس عقیده دیرینه اش به حق حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی (ره) در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲ کلیه کسانی که حق رای داشتند، به آن رای مثبت داد.<sup>۴</sup>

مساله اصلی این تحقیق بررسی سیر تحول دانش حقوق اساسی در دوره پس از انقلاب اسلامی است و در این راه به مسیرهایی که این مفهوم بنیادین در روابط اجتماعی، طی کرده است و فلسفه‌های معرفتی که بر آنها تکیه کرده است، خواهیم پرداخت.

۱ - Loughlin, Martin- walker, Neil (۲۰۰۷) The Paradox of Constitutionalism, Oxford university press, first published, p۱۰۰.

۲- پروین، خیراله و احمدوند، یاسر، فن قدرت یا فن آزادی؟، گفتاری در کارکردشناسی حقوق اساسی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، ۱۳۸۸، صص، ۷۴-۷۵.

۳- مهرپرور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۵، صص ۲۸-۲۷.

۴- همان، ص ۳۳.

## ۲- مفهوم و موضوع قانون اساسی

قانون اساسی، عالی ترین مرجع قانونی هر کشور است و در نظام حقوقی کشورها بالاترین درجه اعتبار قانونی را دارد. کلیه قوانین، مقررات و مصوبات عادی و عرفی باید با اصول قانون اساسی هماهنگ و منطبق باشند و هیچ قانون یا مصوبه ای نباید با اصول این قانون مخالفت کند. در غیر این صورت از سوی مراجع نظارتی و کنترل کننده ی قانون اساسی در هر کشور، مورد ایراد واقع شده و ایراد عدم رعایت تشریفات لازم در تصویب آن، از سوی این مراجع اعلام می شود.<sup>۱</sup>

مفهوم قانون اساسی برگرفته از واژه فرانسوی «کنستیتوسیون<sup>۲</sup>» است و در دوران جنبش مشروطه با همین لفظ فرنگی اما به معنای مشروطیت یعنی محدود شدن اختیارات پادشاه در یک چهارچوب معین (قانونی) بکار میرفته است. امروزه واژه قانون اساسی در فارسی برای اشاره به قانون اساسی دولت های حاکم (مثل ایران یا فرانسه)، زیرمجموعه دولت ها (مانند ایالت های آلمان، آمریکا یا هند) یا ابردولت ها (مانند اتحادیه اروپا) بکار می رود، در مورد نهادهای دیگر مانند اتحادیه ها، سازمان های بین المللی و احزاب سیاسی، معمولاً از واژه «اساسنامه» استفاده می شود.

قانون اساسی در مفهوم عام به کلیه قواعد و مقررات عرفی و مدون یا پراکنده ای گفته می شود که مربوط به قدرت و اجرای آن است. قانون اساسی تعریف کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه، و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور، و تعیین و تضمین کننده حقوق شهروندان کشور است که هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. بنابراین اصول و موازین حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و شیوه تنظیم آنها همچنین کیفیت توزیع قدرت میان فرمانروایان و فرمانبران از زمره قواعد قانون اساسی است. با این برداشت هیچ جامعه کشوری یا دولت-کشوری نمی توان یافت که فاقد قانون اساسی باشد.

## ۲-۱ ماهیت و محتوای قوانین اساسی تحت تاثیر چند عامل اصلی می باشد:

**الف.** قدرت تدوین کننده قانون اساسی: منظور از قدرت تدوین کننده، قدرتی است که در هنگام تدوین و یا اصلاح و بازنگری قانون اساسی، قدرت تهیه و تدوین و اصلاح این سند قانونی را داشته باشد. به عبارت بهتر مرجعی است که براساس اراده و انتخاب ملت وظیفه تدوین و بازنگری قانون اساسی را برعهده دارد و از سوی آنان به انجام این وظیفه می پردازد. در کشورهایی که قانون اساسی از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است، مجلس موسسان کار تدوین و بازنگری را انجام می دهد. ولی در برخی کشورها مانند هند و ترکیه، احزاب حائز اکثریت در پارلمان عهده دار انجام این وظیفه هستند.

**ب.** شرایط زمانی و مکانی: قانون اساسی بازتاب اوضاع و احوال زمانی و مکانی حاکم بر عصر تدوین خود می باشد و این شرایط زمانی و مکانی عامل موثری در تدوین ماهیت قانون اساسی به شمار می روند. برای مثال قانون اساسی ایران در دوره مشروطه که در سال ۱۲۸۵ ه.ش تدوین شد، برآمده از اندیشه ها و آرمان هایی بود که در یکصد سال پیش، در جامعه ایران وجود داشت و مورد مطالبه و خواست مردم بود.

**ج.** سنت های تغییرناپذیر جامعه: این سنت ها که در هر کشوری کمابیش حاکمیت دارند، عامل موثری در ماهیت قانون اساسی هستند. برای نمونه در قوانین اساسی کشورهای آفریقایی که توسط استعمارگران اروپایی تدوین شده است، به سنت های آن کشورها توجهی نشده و تا حد زیادی متن قانون اساسی با سنت های تغییرناپذیر جامعه متعارض است.

۱- پروین، خیرالله و اصلانی، فیروز، اصول و مبانی حقوق اساسی. موسسه انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول. ۱۳۹۱ص ۳۶.

با این حال حتی اگر قانون اساسی در کشوری به خوبی تدوین شده و از قواعد و مقررات پیشرفته‌ای نیز برخوردار باشد و حقوق و آزادی‌های مردم را نیز به خوبی مد نظر قرار دهد، این تضمینی برای اجرای مناسب آن نخواهد بود؛ زیرا ممکن است متولیان حکومت این حق و حقوق را در عمل به رسمیت نشناسند و قدرت را به طور کامل در انحصار خود گیرند. در این صورت قانون اساسی جز نوشته‌ای بی ارزش نخواهد بود که تنها در مقام رعایت تشریفات، وضع شده است و فاقد ضمانت اجرای حقوقی است. لذا صرف توجه به عوامل موثر در ماهیت قانون اساسی برای اجرایی شدن مناسب آن کافی نیست و این قانون باید از مجربانی شایسته نیز برخوردار باشد. چرا که قانون مناسب توسط مجربان ناشایست، بی اثر می‌شود و اجرای قوانین ضعیف توسط مجربان شایسته به عدالت نزدیک تر است و به مثابه ابزاری است که در راستای تامین مصالح مردم به کار گرفته می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۳- تحولات حقوق اساسی مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، بحث پیرامون حقوق ملت در فصل سوم آمده است. در این قسمت تمامی اصول از نوزدهم لغایت چهل و دوم را به سه دسته تقسیم کرده و مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم؛

#### ۳-۱ حقوق مدنی

اصل نوزدهم، «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».

برخی از محققان معتقدند، که اصل فوق دارای ریشه‌های قرآنی می‌باشد.<sup>۲</sup> آنان به آیه ۱۳، از سوره حجرات اشاره می‌کنند که (هان ای مردم، همانا ما شما را از یک مردو زن آفریدیم و شما را به هیأت اقوام و قبایلی در آوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی بیابید. بی گمان گرمی‌ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شماست، که خداوند دانای مطلق است) از این رو اصل فوق با عناوینی چون تساوی حقوق مردم، تساوی حقوق اقوام مختلف و ... یاد می‌شود. کاتوزیان معتقد است «عبارت مندرج در این اصل، نه شعار و نه رسم القباله، اصول هدایت کننده و خط مشی سیاست‌های قضایی و اداری و اقتصادی دولت است، اصولی است، که در سایه آنها بر سر تمام قواعد اساسی و قوانین عادی گسترده است و در پرتو آن باید سایر اصول معنا و تفسیر شود».<sup>۳</sup>

اصل بیستم: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

اصل فوق که به برابری همه در برابر قانون معروف است، در واقع در چارچوب بحث (عدالت) در تقسیم بندی مارشال قابل جستجو است. از همین رو این اصل مترقی و پیشرفته منطبق بر موازین جهانی حقوق بشر می‌باشد. در دیباچه اعلامیه جهانی حقوق بشر آورده شده است «مردم ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن، مجدداً در منشور اعلام کره اند و تصمیم راسخ گرفتند، که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیط آزاد، شرایط

۱- پروین، خیرالله، اصلانی، فیروز، اصول و مبانی حقوق اساسی. موسسه انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول. ۱۳۹۱، ص ۳۷.

۲- بهروزی، ابوزر، مطلبی مقدم، آفرین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ناشر: نوآور، ۱۳۸۹، ص ۳۶.

۳- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۷۰.

بهتری برای زندگی بوجود آوردند<sup>۱</sup>.

اصل بیست و یکم: «دولت موظف است، حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین و امور زیر را انجام دهد.

۱- ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

۵- اعطای قیمیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی».

اما بحث زنان و مشکلات آنان اگرچه به صد یا دویست سال پیش باز میگردد، اما ریشه آنها باید در قرون باستان جستجو کرد، زیرا از آن زمان تا به حال یک (ظلم تاریخی) و یک (بی عدالتی عمومی) نسبت به زنان روا داشته شده است، در طول تاریخ به جز موارد استثناء و نادر زن در حکم برده و اسباب خانه بوده است و اگر وارد اجتماع می شده است، فقط برای آرایش و جلوه گری بوده است. ظن و اندیشه نابرابری مرد و زن نه تنها در بین مردم کوچه وبازار، بلکه در بین فیلسوفان و اندیشمندان و برخی از مذاهب نیز رایج بوده است، در واقع هر چقدر زنان در جامعه مورد ظلم و فشار واقع می شدند، فیلسوفان نیز این بی عدالتی ها را تئوریزه کرده و آنها را جنبه علمی می دادند

«ارسطو که با تعصبات روزگار خود بیشتر سازگار بود، زن را ناقص می دانست، به عقیده او، طبیعت آنجا که از آفریدن مرد ناتوان است، زن را می آفریند زنان و بندگان از روی طبیعت محکوم به اسارت هستند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند. عقیده یهود نیز چنین بود، او در آخرین بند از فرمانهای دهگانه اش، که به قول مشهور به موسی فرستاد، زنان را در ردیف چارپایان و اموال غیر منقول ذکر کرد. یهوه خود آفریده تصور قوم یهود بود و این قوم نیز مانند همه اقوام جنگجو زن را مایه مصیبت و بدبختی می دانستند، وجود او فقط از آن رو قابل تحمل بود که یگانه منبع تولید سرباز بود، یهودیان قدیم به هنگام تولد دختر شمع روشن نمی کردند، مادری که دختری می زاد، بایستی دوباره غسل کند. اما پسر که به عهد خود با یهوه می بالید، همیشه در نماز خود تکرار می کرد: «خدایا تورا سپاسگذارم که مرا کافر و زن نیافریدی» ولی یهود در این عقیده تنها نبودند، آن ها فقط در بیشتر قوانین اخلاقی روزگار خود پیشرو دیگران بودند، در سرتاسر شرق، زنان تا پسری نزاده بودند منفور بودند و اگر پسری می زادند، تا در میدان جنگ کشته نمی شد، مورد احترام واقع نمی شدند. حتی افلاطون که طرفدار زنان بود خدا را شکر می کرد که مرد آفریده شده است<sup>۲</sup>.

این (بد رفتاری عینی) و (بد پنداری ذهنی) تا دوران معاصر نیز ادامه داشت. در قرن نوزدهم در آفریقا زنان هنوز برده بودند و آنان مانند کالا خرید و فروش می شدند. در (تاهیتی) و (نیو برتین) زنان مجبور بودند که خوکان را از پستان خود شیر بدهند<sup>۳</sup>. در دوران معاصر نیز اندیشمندان جملاتی را گفته اند که از دید منفی آنان نسبت به زنان نشأت می گیرد (شوپنهاور)

۱- ساعد وکیل، امیر؛ عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم کنونی، مجد، تهران. چاپ چهارم، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵.

۲- دورانت، ویل، لذات فلسفه، ترجمه زریاب، عباس، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۴۸-۱۴۹.

۳- همان، ص ۱۰۵.

در مقاله ای در باره زنان می گوید (این زن ناقص الخلقه تنگ شانه پهن کفل کوتاه پا) و (نیچه) به صورت اندرزوار می گوید (پیش زنان می روی، تازیانه را به یاد داشته باش).

اما در یکی از دو قرن اخیر اوضاع تا حد زیادی دگرگون شد و زنان چه به لحاظ ذهنی در دید اندیشمندان و فیلسوفان و چه به لحاظ عینی در دنیای خارج و بیرون از خانه دارای ارج و منزلت نسبی شدند. (ویل دورانت) این تحول و دگرذیسی را محصول یک تحول بیرونی می داند، وی معتقد است که پدیده (انقلاب صنعتی) بود که زنان را از (خانه) به (کارخانه) کشاند و هنگامی که آنان دوش به دوش مردان مشغول به کار شدند، خودبخودبر اثر مشارکت در امور، با حقوق خود آشنا شده و مطالبات خود را طلب کردند. نخستین قدم برای (رهایی زنان) در سال ۱۸۸۲ میلادی برداشته شد به موجب این قانون، زنان بریتانیای کبیر از امتیاز بی سابقه ای برخوردار شدند. و آن هم این بود که دستمزد و پول خود را می توانستند در نزد خود نگه دارند، زیرا تا قبل از این زنان باید تمامی اندوخته های خویش را به شوهرانشان می دادند. اگرچه وضع این قانون از طرف کارخانه داران مجلس عوام با حسن نیت همراه نبود و در واقع آنان می خواستند با تصویب این قانون زنان را به کارخانه ها بکشانند ولی با وجود این، تصویب این قانون گامی مهم و بلند در جهت رهایی زنان در آن زمان تصور می شد.

از سال ۱۸۸۲ تا به امروز رفته رفته و آرام آرام زنان خود را و حقوق خود را شناختند و توانستند به مهارت ها و توانمندی های خود آگاه شوند، جنبش زنان و ظهور فمینیسم بین دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به یکباره به مطالبات زنان شتاب فوق العاده ای بخشید. مهمترین و اصلی ترین بحثی که فمینیست ها وارد مباحثات عمومی جامعه کردند این بود که «هر چیزشخصی سیاسی نیز هست»<sup>۱</sup>.

جا انداختن این مطلب در اذهان به این معنا بود که دیگر مردان نمی توانستند بعد از آزار و اذیت همسران خود این کار را شخصی جلوه دهند. در واقع «مشکلاتی که قبلا زنان آنها را شخصی تصور می کردند، به شکل مشکلاتی در آمد که برای جنس زن عمومیت داشت و منبعث از طبیعت آنان نبود، بلکه منبعث از نظام سیاسی جنسیت بود، که در آن زنان توسط مردان مورد ظلم قرار می گرفتند»<sup>۲</sup>.

تلاش های شبانه روزی فمینیست ها و جنبش های زنان در سراسر اروپا و آمریکا علیرغم مانع تراشی ها و سختی ها توانست، گام های مؤثری بردارد، مهم ترین و شاید محوری ترین نکته ای که نتیجه و محصول پنجاه سال مبارزه زنان و طرفداران حقوق آنان بود، این بود که «اختلاف های ذهنی میان مرد و زن بیشتر از همه وابسته به محیط و مشاغل است نه به فرقه ای طبیعی و ثابت»<sup>۳</sup> به عبارت دیگر در طول قرون متمادی و در زمان سپری شده بسیار، زنان همواره در حصر و قید و بندهایی بوده اند و این قیود آنان را ناتوان کرده بود، این ناتوانی تحت شرایط اجتماعی و در بستر مناسبات آن دوره خاص به زنان تحمیل شده بود، در نتیجه این ناتوانی ذات جوهری زنان نبوده و نیست و اکنون که بسیاری از این قیود از روی دوش زنان برداشته شده است، اثبات شده که آنان می توانند در تمامی عرصه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... همگام با مردان حرکت کنند، قانون

۱- مارش، دیوید، استوکر، جری، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه حاجی یوسفی، امیر محمد، پژوهشکده و مطالعات راهبردی، چاپ پنجم، ۱۳۸۸، ص ۱۵۹.

۲- همان، ص ۱۶۵.

۳- دورانت، ویل، لذات فلسفه، ترجمه زریاب، عباس، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۵۶.



اساسی جمهوری اسلامی نیز، چون در فضای فرهنگی\_سیاسی (برابری زنان و مردان) سیر می کرد، گام های مؤثری در این زمینه برداشت. و برای تحقق این ایده در راستای اصل بیست و یکم، قوانین فراوانی را تصویب کرد، مثلاً در جلسه مصوب ۵۴۶ مورخه ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور حقوق و مسؤلیت های زنان در جمهوری اسلامی ایران تهیه و تدوین شد. منشور فوق بسیار مفصل و منظم نگاشته شده است که شامل یک مقدمه و ماده واحده، نکاتی چند در خصوص منشور، اصول و مبانی و سه بخش می باشد، بخش اول راجع به حقوق و مسؤلیت های فردی زنان است، که شامل ۱۳ بند است مثلاً در بند دهم آمده است: آزادی زنان ایرانی در استفاده از پوشش ها و گویش های بومی و اجرای آداب و سنت های محلی در صورت عدم مغایرت با اخلاق حسنه، بخش دوم منشور دارای ۳ فصل می باشد. در بخش دوم مسؤلیت های خانوادگی زنان مورد بحث واقع شده است. که در فصل اول آن بند ۲۰ تا ۲۴ را در بر می گیرد به حقوق و مسؤلیت های دختران در خانواده اشاره شده است. در بند ۱۸ این فصل بر عدالت جنسیتی تأکید شده است و آمده که: حق برخورداری از امکانات خانواده بدون تبعیض میان دختر و پسر، و اما فصل دوم از بخش دوم مربوط به حقوق و مسؤلیت های زنان در تشکیل خانواده می باشد که از بند ۲۱ تا ۳۹ را شامل می شود. فصل سوم از بخش دوم مربوط به حقوق و مسؤلیت های زنان در صورت انحلال خانواده می باشد که شامل هفت بند می باشد، که از بند ۴۰ تا ۴۶ در آن جا می گیرد. اما بخش سوم مربوط به حقوق و مسؤلیت های اجتماعی زنان می باشد، که خود دارای چهار فصل است. فصل اول مربوط به حقوق و مسؤلیت های سلامت جسمی و روانی زنان می باشد، که از بند ۴۸ شروع و با بند ۵۹ پایان می پذیرد. فصل دوم نیز از بند ۶۰ تا ۸۸ ادامه می یابد که مربوط به حقوق و مسؤلیت های فرهنگی و معنوی زنان است، که شامل سه قسمت فرهنگ عمومی، آموزش و پرورش می باشد. فصل سوم از بخش سوم مربوط به حقوق و مسؤلیت های اقتصادی زنان می باشد که شامل دو قسمت حقوق و مسؤلیت های مادی در خانواده و حقوق و مسؤلیت های اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان می باشد. که از بند ۸۹ شروع و با بند ۱۱۱ به پایان می رسد. اما فصل چهارم از بخش سوم مربوط به حقوق و مسؤلیت های سیاسی زنان است که از بند ۱۱۲ شروع و با بند ۱۴۸ به اتمام می رسد، که با پایان بند ۱۴۸ واقع منشور نیز به پایان می رسد. این منشور توسط رییس جمهور وقت (سید محمد خاتمی) که ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی را نیز عهده دار بود، امضا و به دستگاه های مربوطه ابلاغ شد<sup>۱</sup>. منشور فوق از این جهت آورده شده تا گفته شود که اراده لازم نیز در هیأت حاکمه سیاسی برای کاربردی کردن و عملیاتی شدن اصل بیست و یکم (حقوق زنان) وجود داشته است ولی با وجود این برخی معتقدند، که در قوانین شرعی و فقهی مواردی وجود دارد که نمی توان مرد و زن را مساوی پنداشت زیرا اولاً حق الارث زن نصف مرد است، ثانیاً زنان نمی توانند قاضی شوند، ثالثاً دیه زن نسبت به مرد متفاوت است. البته بحث پیرامون ریشه های فقهی این تفاوتها نه در حوصله این پایان نامه است و نه تخصص نگارنده اجازه می دهد، وارد این حوزه شود. بلکه این سه تفاوت از آن جهت آورده شد، که دیدگاه انتقادی نسبت به تساوی مرد و زن نیز قابل شناسایی باشد. البته در تعامل با دیدگاه انتقادی، دیدگاه های دیگری نیز وجود دارد که به طور مثال یکی از آن ها توسط آقای (حسین مهر پور) در کتاب حقوق بشر در اسناد بین الملل و موضوع جمهوری اسلامی ایران، بسط داده شده است. اصل بیست و دوم: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند» این اصل به اصل (مصونیت اشخاص) معروف است و نقطه مشترک در تمامی قوانین اساسی در دنیا می باشد. در واقع اصل بیست و دوم فارغ از هرگونه ایدئولوژی و مرامی می باشد. منظور این است که در نحله های فکری متفاوت و مکتب های

۱- ساعد وکیل، امیر؛ عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم کنونی، مجد، تهران. چاپ چهارم، ۱۳۹۱، ص ۱۰۶-۱۲۰.

متعارض عقیدتی چپ، راست، میانه و ... تمامی انسان ها جدا از اینکه چه جنسیتی دارند، چه آیینی دارند، چگونه فکر می کنند، چقدر درآمد دارند و ... مصون از هر گونه تعرض هستند.

اصل بیست و سوم: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد»

کاتوزیان در تشریح این اصل بر این باور است که «اعتقادات تا چهره درونی و خصوصی دارند جزئی از پیکر و سرنوشت انسان است و نمی توان بر کسی خرده گرفت، که چرا چنین می اندیشد، دولت می تواند، اطاعت از قانون را از مردم بخواهد تا نظم اجتماعی بر هم نخورد ولی اعتقاد را نمی توان به زور تحمیل کرد»<sup>۱</sup>.

اصل بیست و چهارم: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آنرا قانون معین می کند» بحث آزادی مطبوعات یکی از بدیهی ترین اصول دموکراسی در رژیم های مردم سالار می باشد، در واقع یکی از معیارها و شاخص های سنجش میزان دموکراتیک بودن یک رژیم (گردش آزاد اطلاعات) می باشد، که جزء حقوق اساسی و بنیادین ملت محسوب می شود. البته آزادی مطبوعات هیچ گاه و در هیچ رژیمی به صورت نامحدود و مطلق نمی باشد و همیشه محدودیت هایی برای این اصل وجود دارد و همواره جرایمی را می توان از طریق مطبوعات متصور شد که در آن افراد یا اشخاص به دروغ به نشر اخباری پرداخته و آبرو و حیثیت اشخاص حقیقی و حقوقی را خدشه دار کند، برای همین و با هدف شناخت آسیب های مطبوعاتی، قانونی به نام (قانون مطبوعات) تدوین شده، که در آن به صورت کامل تمامی آسیب ها را مورد شناسایی قرار داده است. مثلاً در ماده یک قانون مطبوعات، موارد تحدید آزادی مطبوعات مورد شناسایی واقع شده است.

اصل بیست و پنجم: «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره، و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است».

به نظر می رسد، این اصل هم ریشه های قرآنی و هم زمینه های حقوق بشری بین المللی دارد. در آیه ۱۳ از سوره حجرات آمده است «ای مومنان از گمان ها پرهیز کنید، چرا که بعضی از گمان ها گناه است و {در کار دیگران} تجسس نکنید و بعضی از شما از بعضی دیگر غیبت نکنند، آیا هیچ کدام از شما خوش دارد، که گوشت برادر مرده اش را بخورد، که از آن تنفر دارید و از خداوند پروا کنید، که خداوند توبه پذیر مهربان است» هم چنین در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت به مصونیت مکاتبات، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و تلکس و به طور کلی اسرار شخصی را مورد توجه قرار داده است.<sup>۲</sup>

اصل سی و دوم: «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند، در صورت بازداشت، موضوع اتهام با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود».

این اصل که به اصل (امنیت فردی) مشهور است، برای نخستین بار در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین شد و منظور از آن، ذکر این مطلب بود که به هیچ عنوان، نمی توان به بازداشت های خودسرانه، غیر قانونی و نامحدود دست زد، بعدها این

۱- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، ۱۳۷۱، ص ۴۳۹.

۲- ساعد وکیل، امیر و عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم کنونی، مجد، تهران. چاپ چهارم، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶.



اصل در ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و هم چنین ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر اسلامی تکرار شد. اصل سی و چهارم: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند، اینگونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

اصل سی و پنجم: «در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند، برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد» مبحث حق انتخاب وکیل جزء بدیهی ترین حقوق متهمان می باشد. این اصل به قدری واضح و روشن است، که در برخی از کشورهای دموکراتیک متهم تا قبل از اینکه با وکیل خود دیدار نداشته باشد، اصولاً هیچ حرفی نمی زند.

اصل سی و ششم: «حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» در اهمیت این اصل فقط می توان گفت، آیات ۱۵ سوره نساء ۷ از سره طلاق، ۱۱۵ از سوره توبه و ۵۹ از سوره قصص هر کدام مشابهت های با این اصل دارند. هم چنین مواد ۲ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی نیز در همین راستا قابل فهم است، به لحاظ بین المللی اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها، اولین بار در ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه مطرح شد و سپس ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت ضمنی و ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بطور صریح و آشکار به این اصل پرداخته شده است.<sup>۱</sup>

اصل سی و هفتم: «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد»

معنا و مفهوم مرکزی (برائت) در واقع (بی گناهی) است، به عبارت دیگر هیچ کس گناهکار نیست، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود، گناهکاری شخص نیز فقط در دادگاه صالح با تشریفات حقوقی (تفهم اتهام، هیأت منصفه، داشتن وکیل و...) قابل اثبات است.

اصل سی و هشتم: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود» واژه (شکنجه) در طول تاریخ واژه ای مناقشه برانگیز بوده است و هر چقدر این واژه از مفهوم به سوی مصداق حرکت کرده، دشواری کار بیشتر شده است. کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴ مجمع عمومی ملل متحد عنوان می کند: «شکنجه به هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه شخصی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقراری از او یا شخص ثالث اعمال شود، اطلاق می گردد، ذیل بند یک آمده است، رنج و دردی که به طور ذاتی یا تبعی لازمه مجازات های قانونی است، شکنجه محسوب نمی شود».

اصل سی و نهم: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، باز داشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است».

قوه قضاییه جمهوری اسلامی برای کاربردی کردن این اصل در ماده ۱۷۶ آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که در تاریخ ۱۳۷۲/۱/۷ به امضای ریاست قوه قضائیه رسیده است این چنین می گوید: «تند

۱- ساعد وکیل، امیر؛ عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم کنونی، مجد، تهران. چاپ چهارم، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶.

خوبی، دشنام، ادای الفاظ رکبیک یا تنبیه بدنی زندانی و اعمال تنبیهات خشن و مشقت بار و موهن در زندانها به کلی ممنوع است».

اصل چهلم: «هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» پیامبر اکرم در واقعه ای حکم فرمودند که: در اسلام و مقررات آن، چیزی که به زیان مردم باشد، و یا اینکه راه ضرر و زیان رساندن به دیگران را باز گذارد وجود ندارد<sup>۱</sup>. در واقع اصل (منع اضرار به غیر) یک پیشگیری (جرم شناسانه) در علم جرم شناسی از شاخه های حقوق می باشد، که از درگیری و نزاع بین انسانها جلوگیری به عمل می آورد. در واقع طبق این اصل هیچ کس نمی تواند به دیگری ضرر و زبانی وارد کند.

اصل چهل و یکم: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند، از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود و یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید».

تابعیت در واقع یک رابطه دو طرفه و دو سویه بین شخص و دولت می باشد این رابطه هم جنبه حقوقی دارد و هم جنبه سیاسی، در ضمن چون تابعیت به بحث (هویت) نیز ربط پیدا می کند، بنابراین رابطه ای معنوی و فرهنگی نیز بین شخص و دولت ایجاد می شود، بنابراین تابعیت به این مفهوم است، که شخص در هر کجا که باشد، چه در سرزمین مادری خویش و چه در اقصی نقاط دیگر، یک سری حقوق دارد، که دولت متبوع وی موظف است، از آن پاسداری کند. در ضمن شخص نیز باید به تعهدات خویش در این زمینه پایبند و متعهد باشد. در گذشته دولتها برای تنبیه یا مجازات افراد خاطی آنها را سلب تابعیت می کردند، اما طبق اصول حقوق بین المللی معاصر این کار امکان پذیر نیست.

### ۳-۲ حقوق سیاسی

اصل بیست و هشتم: «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، به موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد، یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» اصطلاح (جامعه مدنی) که امروزه در ادبیات سیاسی بسیار کاربرد دارد، در تعریفی بسیار ساده و تقلیلگرایانه می توان گفت، جامعه مدنی بین حکومت کنندگان و حکومت شوندگان قرار دارد، در واقع خواست ها و مطالبات حکومت شوندگان را به گوش حکومت کنندگان می رساند، پایه و اساس جامعه مدنی را احزاب تشکیل می دهند. به عبارتی دیگر هر چقدر احزاب فراگیرتر و با نشاط تر باشند، به همان میزان جامعه مدنی مستحکم تر و با قوت تر است و در نتیجه دموکراسی و مردم سالاری نیز در آن جامعه دارای استمرار بوده و تثبیت خواهد شد. پر واضح است که تشکیل احزاب، جمعیت ها، سازمان های سیاسی و غیره دارای قوانین و ضوابط خاص خویش است، باید احزاب نخست اساسنامه خویش را تهیه کرده و سپس آن را به وزارت کشور فرستاده تا مجوز بگیرند.

اصل بست و هفتم: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». در اکثر کشورهای دموکراتیک، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی های مسالمت آمیز، آزاد اعلان شده است. اما با نگاه آسیب شناسانه به نظم عمومی می توان دریافت، که ریشه و علت هر راهپیمایی و تظاهرات یک مشکل یا بحران اجتماعی است، که در دل خود می تواند، باعث حوادث و بی نظمی هایی در جامعه شود، بنابراین برای جلوگیری از بروز هر گونه حوادث غیر قابل پیش بینی، لازم است، کلیه تدابیر سنجدیده شود، سنجش امور برای راهپیمایی توسط وزارت کشور انجام می پذیرد و

۱- متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات طه قزوین، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۴۱.

صدور مجوز برای تظاهرات، از سوی این نهاد صادر می شود.

اصل پنجاه و هشتم: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب و محترم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می آید، برای اجراء به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد» اصل پنجاه و هشتم که در فصل پنجم تحت عنوان حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن آمده است، یکی از مهمترین اصولی است که تضمین کننده حقوق ملت است، به عبارتی دیگر ملت از طریق مجلس حاکمیت و نظارت و اقتدار خویش را بر دولت تعیین می کند. به نظر می رسد از چهارراه و روش حاکمیت ملت بر دولت اعمال می شود. اول تمامی وزراء و کل هیأت وزیران طبق اصل ۸۷ قانون اساسی باید از مجلس رأی اعتماد بگیرند، هم چنین مجلس می تواند، هر زمان که صلاح دید وزراء را استیضاح کند. طبق اصول ۱۳۷، ۱۳۴، ۱۲۲، ۵۴، ۵۲، ۸۳، ۷۷ مجلس بر کارهای دولت نظارت استصوابی و نظارت مالی دارد. در نهایت مجلس سیاسی دارند. طبق اصول ۵۵، ۵۴، ۵۲، ۸۳، ۷۷ مجلس بر کارهای دولت نظارت استصوابی و نظارت مالی دارد. در نهایت مجلس در واقع طبق اصول ۱۳۳ و ۱۳۷ با تعیین حدود اختیارات وزراء در قانون اقتدار کلی خویش را بر قوه مجریه اعمال می کند<sup>۱</sup>.

اصل پنجاه و نهم: «در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است، اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه آراء عمومی باید به تصویب دوسوم نمایندگان مجلس برسد» مراجعه مستقیم به رأی مردم و همه پرسی، یکی از روش های دموکراتیک در نظام های مردم سالار است که در مقاطع حساس تاریخی - سیاسی انجام می پذیرد. اما نکته قابل تأمل اینجاست که در تاریخ همه پرسی در جمهوری اسلامی از زمان تشکیل تا به امروز، حکایت از همه پرسی تقنینی ندارد. منظور این است، که مردم نمی توانند، مستقیم و بدون واسطه خود قانون وضع کنند، بلکه صرفاً با پیشنهاد رییس جمهور یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس، قانونی را تأیید یا ابطال می کنند، در واقع طبق قانون همه پرسی مصوب ۱۳۶۸ نظر مردم در آراء عمومی به صورت (آری) یا (نه) محدود شده است.

اصل هفتاد و ششم: «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد». چهار نکته مهم و اساسی از این اصل می توان دریافت، نکته اول اینکه عبارت (تمام امور) در واقع به لحاظ مادی شامل مسائل داخلی و بین المللی می باشد ولی به لحاظ سازمانی می توان تمامی سازمانها و مقامات را در این حیطه گنجانند. نکته دوم که در ادامه نکته اول است، ذکر این مطلب است که بعدها مجمع تشخیص مصلحت نظام طبق ماده ۱۹۸ داخلی خود، دستگاه های زیر نظر مستقیم مقام رهبری را (مانند مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان و...) از این امر مستثنی کرد. نکته سوم در واقع یک نکته فنی است و آن هم این است که نمایندگان بطور انفرادی حق تحقیق و تفحص ندارند، بلکه تحقیق و تفحص از حقوق خاصه مجلس می باشد و نکته چهارم و آخر این می باشد، که نباید انتظار داشت، هر تحقیق و تفحص بلافاصله آثار خود را نمایان سازد، به عبارت دیگر نباید به دنبال اثرات حقوقی فوری و آنی از تحقیق و تفحص بود، بلکه جنبه اطلاع رسانی و آگاهی بخشی تحقیق و تفحص بر جنبه های حقوقی و قضایی آن رجحان و برتری دارد.

اصل یکصد و چهارم: «به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحد های تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضا این واحدها تشکیل می شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود و وظایف و اختیارات آنها را قانون تعیین می کند». در واقع تشکیل این گونه شوراها می تواند مجرای مناسبی به

۱- ساعد وکیل، امیر؛ عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم کنونی، مجد، تهران. چاپ چهارم، ۱۳۹۱، ص ۲۰۰.

منظور ارتباط نقطه نظرات نقش آفرینان قوه مجریه و صاحبان صنعت و مشاغل گوناگون باشد. اما معادل این اصل در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۳ آمده است. در بند ۴ ماده ۲۳ و همچنین بند ۱ ماده ۲۲ از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی یاد می شود که از آن تحت عنوان (آزادی صنفی) یا (سندیکایی) یاد می شود.

### ۳-۳ حقوق اجتماعی

اصل بیست و هشتم: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید».

بسیاری از جامعه شناسان هنگامی که به بحث مهم و زیربنایی (همبستگی اجتماعی) و عوامل شاخص های آن می رسند، از مفهوم (نقش) یاد کرده و این عامل را جزء مهمترین، علل همبستگی اجتماعی می دانند. نقش در جامعه شناسی در واقع همان (شغل) در حقوق است که شخص را عهده دار وظیفه خاصی می کند<sup>۱</sup>. هرچقدر نقش شخص مفرح تر و آزادتر احساس شود، شخص نقش خود را بهتر ایفا کرده و موجب می شود ارتباط وی با دیگران در یک بستر سالم و منطقی سیر شود. و در نتیجه (همبستگی اجتماعی) نیز تقویت شود. نقش (شغل) به قدری اهمیت دارد که مثلاً در کشوری مثل ژاپن یک کارگر شرکت (هوندا) با افتخار خود را منتسب به این شرکت کرده و (هویت صنفی) خویش را نخست معرفی کرده و بعد از هویت‌های دیگر مانند هویت و اصالت خانوادگی و یا هویت منطقه ای (اهل کدام کشور بودن) خود سخن می گوید. اصل بیست و نهم «برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی، دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های ملی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند».

بحث تامین اجتماعی برای نخستین مرتبه در تاریخ معاصر جهان در زمان انقلاب صنعتی مطرح شد. کار و فعالیت مستمر و بدون وقفه کارگران در اروپا و تلفات ناشی از کار طاقت فرسا، باعث شد اتحادیه کارگری درخواست حقوق مربوط به کار را از کارفرمایان طلب کرده و درخواست هایی از قبیل ساعات کار محدود، تعطیلی کار در هفته، بازنشستگی و ... را مطالبه کند. که در پی آن در اثر تعامل کارفرمایان، دولتمردان و نمایندگان کارگران، قانون تامین اجتماعی به تصویب رسید. نظام تامین اجتماعی در ایران طی مصوبه هایی در مورخه ۱۳۵۴/۴/۳ و ۱۳۵۸/۴/۲۸ تدوین شد. بعد از انقلاب مصوبه های تکمیلی نیز به آن اضافه شد که برای نمونه می توان از مصوبه بیمه بیکاری در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۲۶ یاد کرد. اما نکته مهم و اساسی که از این اصل نتیجه می شود، این است که طبق حقوق اساسی ایران، تامین اجتماعی یک حق مسلم و همگانی و نه به عنوان یک حق ناشی از قرارداد، می باشد و طبق این اصل دولت موظف و مکلف است که در حدود قوانین، خدمات و حمایت های مالی را برای تمام افراد کشور تأمین کند.

اصل سی ام: «دولت موظف است، وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

بحث رایگان بودن آموزش و پرورش توسط دولت، در واقع حمایت دولت را از اقشار تهی دست و پایین جامعه به تصویر می

۱- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، دادگستر، تهران، چاپ اول . ۱۳۸۸، ص ۴۳۷-۴۳۸.

کشد، که اگر این اقبال به علت مشکلات مالی نتوانستند از عهده هزینه های آموزشی فرزندان شان برآیند، دولت موظف است، آنها را تحت حمایت خویش قرار دهد. حق تحصیل برای تمام اقشار مختلف مردم در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۶، همچنین ماده ۱۳ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده یک مقاوله نامه مبارزه با تبعیض در امر آموزش مصوب ۱۹۶۰، آمده است. طبق این اصول سن، جنس و عقیده سیاسی یا مذهبی نمی تواند مانعی برای بهره مندی از حق تحصیلات عالی قلمداد شود.

اصل سی و یکم: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به خصوص روستا نشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند» شاید یکی از ملموس ترین و محسوس ترین نیازهای انسان در دوران معاصر داشتن مسکن مناسب با شأن وی باشد. نیاز به مسکن آنقدر بدیهی و مسلم است که در ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آزادی حق اختیار مسکن برای افراد شناخته شده است.

اصل سی و سوم: «هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد».

این اصل مشابه اصلی از قانون اساسی مشروطه بود، که در واقع از (کوچ اجباری) افراد جلوگیری می کرد. به عبارتی دیگر این کوچ اجباری، ابزاری بود در دست حکومت، اصل سی و سوم در واقع معروف به اصل (منع تبعید افراد) می باشد. البته آزادی اقامت در محل مورد علاقه افراد به صورت مطلق و نامحدود وجود ندارد، بلکه محدودیت ها و قیودی را می توان بر آن تصور کرد. مواد ۱۰۰۵ الی ۱۰۰۸ از قانون مدنی و ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی این قیود را مشخص کرده است.

روند تغییر و تحول قانون اساسی را باید فراتر از نام افراد و شخصیت ها ارزیابی کرد. برای چگونگی فهم ارتباط بین متن پیش نویس قانون اساسی با قانون اساسی جمهوری اسلامی مصوبه سال ۵۸، باید به شناخت جریانات داخل (مجلس خبرگان قانون اساسی) نگاهی افکند، همانطور که در سطور قبل توضیح داده شد، دو جریان در مجلس خبرگان قانون اساسی در برابر هم قرار داشتند، جریان اول بر این باور بود که متن پیش نویس را باید بدون هیچ گونه دخل و تصرف، تصویب کرد. اما جریان دوم، معتقد بود، که باید به متن پیش نویس اصولی را اضافه کرد. اما جریان دوم که در واقع (جریان غالب) مجلس خبرگان رهبری می باشد را چگونه باید فهمید به عبارتی دیگر این جریان چرا و به چه علت متن پیش نویس را تغییر داد؟ شاید علت این باشد، که جریان فوق بر اساس مفهوم (مشروعیت) تحول فوق را هدایت کرد. بدین معنا که این جریان احساس می کرد، قانون اساسی که در آن مبانی و مبادی مشروعیت به درستی مشخص نشده باشد، فاقد اعتبار است. مثلا بحث تصویب نهایی شورای نگهبان راجع به قوانین مجلس شورای ملی و اینکه این قوانین فقط هنگامی (مشروعیت) دارد، که شورای نگهبان آن را تأیید کند، در این راستا قابل فهم می باشد، زیرا بحث تصویب نهایی شورای نگهبان از اصولی بود که توسط مجلس خبرگان رهبری به پیش نویس افزوده شد و یا اینکه نمایندگان احساس می کردند در یک حکومت دینی باید (فقیه) و (مرجع) باشد، که در رأس امور قرار داشته و قوای مختلف را هدایت کند. بنابراین (اصل ولایت فقیه) را به متن پیش نویس اضافه کردند.

خلاصه اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ثمره ی اصلی انقلاب اسلامی مردم ایران است و کارکردهای قانونی کردن نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی، مشروعیت بخشیدن به آن، نهادینه کردن ساختارها و کارگزاری های این نظام، تبیین حقوق مردم و حاکمیت و به عبارتی ایجاد فرهنگ سیاسی مکتبی در ایران را عملیاتی کرد. در فرآیند موجودیت یافتن آن، می توان چهارده مرحله را ذکر کرد: تدوین پیش نویس قانون اساسی، عرضه به افکار عمومی، بررسی نظرات مراجع حوزه ی علمیه ی قم و سایر پیشنهادات، بررسی تذکرات رهبر انقلاب اسلامی، بررسی نظرات جامعه ی مدرسان حوزه ی علمیه ی قم، بررسی

پیش نویس در شورای انقلاب، بررسی و تنظیم پیش نویس قانون اساسی به عنوان لایحه در کابینه ی دولت موقت، تشکیل مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی، تشکیل دبیر خانه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ایجاد کمیسیون های تخصصی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تشکیل جلسه های عمومی بررسی نهایی قانون اساسی، بررسی مجدد و بازبینی مصوبات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، بررسی نهایی در مجلس خبرگان، همه پرسی و تصویب نهایی.

### ۳-۳-۱ زمینه های اصل تضمین حقوق و آزادی های فردی

در صورت عدم توسعه سیاسی و ستم پذیری مردم حقوق و آزادی های فردی نوعاً قربانی حکمرانی حاکمان خواهد شد. از این رو باید ستمگری حکومت ها را ناشی از عدم توسعه سیاسی و ستم پذیری مردم دانست و باید مکانیسمی برای تحقق عملی و حفظ اصلی حقوق و آزادی های فردی اندیشیده شود که این مهم، موقوف به التزام عملی دولت و اعتقاد عمومی ملت و دولت، نسبت به تضمین حقوق و آزادی های فردی است.<sup>۱</sup>

### ۳-۳-۲ التزام عملی دولت در تضمین حقوق و آزادی فردی

قدرت حکومت و حقوق و آزادی های ملت عناصر ملازم و در عین حال در ستیزی هستند که نظام های گوناگون سیاسی از آن منتج می شوند. بدین ترتیب که حکومت های استبدادی از میل فزاینده حکومت به قدرت ناشی شده و به حقوق و آزادی ها توجه ای ندارند. اما حکومت های مردم سالار هدف اصلی خود را در تضمین حقوق و آزادی ملت می دانند. از این رو است که در اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر شده است:

«هیچ مقامی حق ندارد با نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند». بنابراین اصل، تکلیف التزام عملی (قانونی) دولت، تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، محو استبداد<sup>۲</sup> و انحصارطلبی و التزام عملی در مقابل «تأمین حقوق و آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون»<sup>۳</sup> است. این بدان معناست دولت در اعمال حاکمیت خود، آن چنان باید رفتار کند که به حقوق و آزادی مردم کمترین خدشه و آسیبی وارد شود.<sup>۴</sup> براساس این تکلیف:

- هیچ مقام دولتی و ... حق ندارد برای چاپ مطالب یا مقاله ای در مورد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت نماید.

- دولت حق مهار و کنترل آزادی احزاب و اجتماعات و حق شرکت در آن ها را ندارد. چرا که آزادی احزاب را قانون اساسی رسماً به رسمیت شناخته و این آزادی و حق غیرقابل سلب است.

- حقوق و آزادی های افراد بر اساس قانون مورد حمایت قوه قضاییه قرار دارد. تا دولت در مقام حفظ اقتدار خود، قادر به

۱- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ص ۲۱۵.

۲- بند ۳ اصل سوم قانون اساسی.

۳- بند ۷ اصل سوم قانون اساسی.

<sup>۴</sup> Article ۸: The right to respect for private and family life, home and correspondence, ۲۵ At: [www.equalityhumanrights.com/](http://www.equalityhumanrights.com/), (Accessed Human Rights Review, ۲۰۱۲, p. ۲۶۳. March ۲۰۱۴).



تعرض و خدشه نسبت به آن‌ها نباشد<sup>۱</sup>.

### ۳-۳-۳ اعتقاد عمومی به اصل حقوق و آزادی‌های فردی

پر واضح آشکار است که حقوق و آزادی‌ها با رشد فکری مردم رابطه مستقیم داشته و دوران طولانی استبداد و اختناق، ملت‌ها را از درک منزلت ذاتی خود دور می‌سازد و ایمان و اعتقاد مردم را نسبت این ارزش‌ها که آزادی از جمله مهمترین آن‌هاست از آن‌ها می‌گیرد. در چنین جوامعی فرهنگ حقوق و آزادی‌های فردی رخت برمی‌بندد، استبداد در گُنه وجودی جامعه جای گرفته و رشد فکری از دست می‌رود. هر چند در قوانین اساسی جوامع مذکور، نوعاً حقوق و آزادی‌های ملت و اجرای آن در اصول منقّح و زیبا بیان می‌شود؛ اما با این وجود به خاطر عدم درک مراتب آزادی، یعنی سطح آگاهی پایین مردم، این اصول عملاً بدون اجرا مانده و راه را برای خودکامگی حکام باز می‌گذارد. انحطاط فکری و بحران آزادی، بعضاً تا آن حد پیش می‌رود که افراد روشنفکر عناصر نامطلوب قلمداد می‌شوند و حتی به عنوان خیانتکار مورد اتهام و تعقیب قرار می‌گیرند.

بلاشک، کاستی و بحران در حقوق و آزادی‌ها از جمله حقوق و آزادی‌های فردی، بحران در دموکراسی را نیز در پی خواهد داشت. چرا که حکام اینگونه جوامع، با ایجاد نهادهای ظاهراً دموکراتیک و تشکیل احزاب وابسته، آراء مردم را در مجاری کنترل شده قرار می‌دهند و راه بر شیوه‌های آزادی خواهانه می‌بندند و بدین رو اعتقاد مردم را نسبت به اصل حقوق و آزادی‌ها پایین می‌آورند. از این رو است که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای ارتقای رشد فکری مردم یعنی همان اعتقاد به اصل حقوق و آزادی‌ها در بند ۲ اصل سوم مقرر نموده است: «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» یکی از الزامات دولت است که در صورت اجرا، می‌توان به رشد فکری و تقویت حس آزادی خواهی دست یافت.

### ۳-۳-۴ تضمینات عام قانون اساسی برای تضمین حقوق و آزادی‌های فردی

هر چند قانون اساسی به اعلام و در واقع شناسایی حقوق و آزادی‌های فردی اکتفا کرده است، ولی در عمل نفس وجود قانون اساسی (چون قانون اساسی جز قواعد حقوقی دارای ضمانت اجراست، به این عنوان، حقوق و آزادی‌ها تضمین پیدا می‌کنند<sup>۲</sup> و دیگر تردیدی درباره لازم الاجرا بودن اصول و احکام مندرج در آن باقی نمی‌ماند). اصل تفکیک قوا، اصل محدودیت تجدیدنظر در برخی از موضوعات قانون اساسی و... متضمن تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی نیز هستند.

۱- ها شمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مبانی کلی نظام)، جلد یک، چاپ هشتم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۳-۲۲۴.

۲- هریسی نژاد، کمال الدین، تضمینات حقوقی حقوق بشر، مجله مقالات حقوقی (کانون وکلای استان آذربایجان شرقی)، مجموعه دوم ۱۳۸۲، ص ۱۷۶.

## نتیجه گیری

هدف این پژوهش، بررسی سیر تحول دانش حقوق اساسی در دوره پس از انقلاب اسلامی ایران بود. نتایج تحقیق نشان داد قانون اساسی بیان کننده ی حقوق ملت می باشد و آزادی های فردی و جمعی اعم از حق مالکیت، ازدواج، مسکن، آزادی بیان، عقیده، شغل، تحصیلات و... را تشریح می کند. اما قوانین عادی هر کدام به نحوی این آزادی ها را محدود نموده اند. در این تحقیق حقوق ملت از جنبه های مختلف در دوره مشروطه با دوره ی بعد از انقلاب اسلامی مقایسه گردید. هرچند در متن قانون اصلاحات اساسی و بازنگری های خوبی صورت گرفته اما در مواردی اصول این قوانین با هم تناقض دارند و به وسیله تبصره های مختلف و منافع و موقعیت های مختلف اصل قانون مورد تحریف قرار گرفته به عنوان مثال مصونیت از شکنجه که در اصل ۳۸ مطرح شده و هرگونه شکنجه برای گرفتن اعتراف را منع کرده اما در قوانین عادی کشور رعایت نشده و شواهد و قرائین نشان دهنده زیر پا گذاشتن این اصل است. همچنین به موجب اصل آزادی مذهب، هر فرد حق دارد که در امور مذهبی، دارای عقیده یا فاقد عقیده باشد و عقیده خود را فاش کرده و تعلیم بدهد و به طور علنی، فکر مطابق عقیده خود را به معرض عمل درآورد اما طبق بند مربوط به آزادی اندیشه و بیان خروج مسلمانان از دین خود در کشور ما ارتداد محسوب می شود و همرا با مجازات خواهد بود که این نشان دهنده تناقض دو اصل است. همچنین با وجود بازنگری های اخیر در اصول قانون اساسی هنوز بعضی از اصول به طور کامل تشریح نشده است مثلا مجازات ارتداد هنوز مورد بحث است. همچنین بیان عقیده و تجمعات مسالمت آمیز در قانون اساسی جزو حقوق ملت است که امروز رعایت نمی شود و به شدت با آن برخورد می شود. در واقع مصالح عمومی بر حقوق عمومی پیشی گرفته است. مثلا بهره بردن از آزادی بیان و آزادی انتخاب شغل باید به گونه ای باشد که رعایت مصالح عمومی نسبت به حقوق عمومی در اولویت باشد.

در کلیت امر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به دوره ی مشروطیت جامع تر بوده و دارای اصول بیشتری است مثلا؛ انحلال قوا (همان گونه که از نام آن پیدا است) به معنای به تعطیلی کشاندن هر کدام از قوای سه گانه می باشد که در هر سیستم و واحد سیاسی ممکن است متفاوت باشد به این که در برخی از این نظام ها پیش بینی و در برخی دیگر چنین نشده باشد و در بخش اول ممکن است به دست رئیس کشور و ممکن است به شوراهای قانون اساسی واگذار شده باشد. در قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین حقی برای هیچ کدام از مقامات پیش بینی نشده است ولی در قانون مشروطه انحلال مجالس ملی و سنا بر عهده پادشاه نهاده شده و در صدر اصل چهارم و هشتم چنین آمده است: «اعلیحضرت همایون شاهنشاهی می تواند هر یک از مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه و یا هر دو مجلس را در آن واحد منحل نماید». همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان اما باید گفت در قانون مشروطه چنین شورایی با این همه اعتبار طراحی نشده است هر چند در اصل دوم متمم این قانون (که به اصل تراز مشهور است) هیئتی پنج نفره از مجتهدین تراز اول جهت بررسی مصوبات مجلس پیش بینی شده است اما این اصل بدرستی اجرا نشد و آنچه نباید، در آن دوران انجام می شد، انجام پذیرفته است. اما در مواردی که وارد مرحله عمل به قانون می شویم لازم است تبصره هایی جامع صورت گیرد و مجریان قانون بیشتر اصل قانون اساسی را مورد توجه قرار دهند و همان طور که در اصل ۱۷۷ قانون اساسی آمده هر جا که لازم شد بازنگری در این قانون باید صورت گیرد. مبنای قوانین در قانون مشروطیت اسلام نبود اما در قانون

اساسی بعد از انقلاب، اسلام مبنای همه چیز قرار گرفت بنابراین لازم است که به اصول این قوانین به درسی پرداخته شود تا زیر پا گذاشتن حقوق ملت به بدنه اسلام خدشه وارد نکند.

در جامعه‌ی ما جز در محافل دانشگاهی و آن هم در رشته‌های مربوطه قوانین اساسی به عموم مردم آموزش داده نمی‌شود و جای خالی مباحث قانون اساسی در مقاطع تحصیلی کشور احساس می‌شود و همانطور که تقویت جسم در کلاس‌های تربیت بدنی انجام می‌شود بهتر بود که حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی نیز آموزش داده شود تا سطح آگاهی مردم افزایش یابد.

در یک دید کلی می‌توان بیان نمود که قانون اساسی جمهوری اسلامی نه به قبول آزادی مطلق دست زده تا به آنارشی منتهی شود و نه آن را کلاً نفی کرده است که سرشت استبدادی به خود بگیرد، بلکه در چارچوبی غیر مطلق به تضمین اصل آزادی‌ها اقدام کرده، اما برای حفظ نظم عمومی که موجب حفظ عناصر اخلاق عمومی جامعه (اسلام و موازین آن)، امنیت و منفعت عمومی و بهداشت عمومی می‌شود، در شرایطی آن‌ها را دچار محدودیت نموده است. اما نکته مهم آن است که قانون اساسی برای جلوگیری از سوء استفاده اعمال این محدودیت را به دست قوه مجریه و مقامات اداری نسپرده است، بلکه هر جا که از تعیین محدوده و حدود مرز آزادی‌ها بحث کرده آن را منوط به تصویب قانون از سوی نمایندگان مردم نموده است.



منابع

- ۱- بهروزی، ابوذر و مطلبی مقدم (۱۳۸۹)، آفرین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ناشر: نوآور.
- ۲- پروین، خیرالله و اصلانی، فیروز (۱۳۹۱)، اصول و مبانی حقوق اساسی. موسسه انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول.
- ۳- پروین، خیراله و احمدوند، یاسر (۱۳۸۸)، فن قدرت یا فن آزادی؟، گفتاری در کارکردشناسی حقوق اساسی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴.
- ۴- دورانت، ویل (۱۳۷۳)، لذات فلسفه، ترجمه زریاب، عباس، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، تهران.
- ۵- دورانت، ویل (۱۳۷۳)، لذات فلسفه، ترجمه زریاب، عباس، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، تهران.
- ۶- ساعد وکیل، امیر (۱۳۹۱)، عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم کنونی، مجد، تهران. چاپ چهارم.
- ۷- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، مبانی حقوق عمومی، دادگستر، تهران، چاپ اول.
- ۸- مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۸۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه حاجی یوسفی، امیر محمد، پژوهشکده و مطالعات راهبردی، چاپ پنجم.
- ۹- متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰)، انتشارات طه قزوین، چاپ اول.
- ۱۰- مهرپرور، حسین (۱۳۹۵)، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دادگستر.
- ۱۱- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مبانی کلی نظام)، جلد یک، چاپ هشتم، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۲- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۳- هریسی نژاد، کمال الدین (۱۳۸۲)، تضمینات حقوقی حقوق بشر، مجله مقالات حقوقی (کانون وکلای استان آذربایجان شرقی)، مجموعه دوم.

۱. Loughlin, Martin- walker, Neil (۲۰۰۷) The Paradox of Constitutionalism, Oxford university press, first published, p ۱۰۰.
۲. Article ۸: The right to respect for private and family life, home and correspondence, ۲۰ At: [www.equalityhumanrights.com/](http://www.equalityhumanrights.com/), (Accessed Human Rights Review, ۲۰۱۲, p. ۲۶۳. March ۲۰۱۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی